

چارلز بایکوت؛ مدیر بی‌رحم بریتانیایی که نام خانوادگی‌اش به فعل تبدیل شد

بایکوت (و فعل آن، بایکوت کردن) اصطلاحی است که تقریباً هر روز در گوشه و کنار جهان برای اشاره به اعتراض، تحریم یا مخالفت جمعی علیه یک محصول، فرد، نهاد یا کشور شنیده می‌شود.



بایکوت (و فعل آن، بایکوت کردن) اصطلاحی است که تقریباً هر روز در گوشه و کنار جهان برای اشاره به اعتراض، تحریم یا مخالفت جمعی علیه یک محصول، فرد، نهاد یا کشور شنیده می‌شود. این عبارت به اقدامات اعتراضی اشاره دارد که از سوی گروه‌ها و جوامع، با هدف پیشگیری از توسعه یا عملکرد یک روند ناعادلانه کارگری، اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی انجام می‌شود. این کلمه با تلفظ «بویکات» وارد فرهنگ لغت انگلیسی شد، و به زبان‌های دیگر راه یافت. اما منشأ آن ریشه در نام یک شخص واقعی دارد: چارلز کانینگهام بویکات، نظامی انگلیسی (که در فارسی بایکوت تلفظ می‌شود).

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، بایکوت (و فعل آن، بایکوت کردن) اصطلاحی است که تقریباً هر روز در گوشه و کنار جهان برای اشاره به اعتراض، تحریم یا مخالفت جمعی علیه یک محصول، فرد، نهاد یا کشور شنیده می‌شود.

این عبارت به اقدامات اعتراضی اشاره دارد که از سوی گروه‌ها و جوامع، با هدف پیشگیری از توسعه یا عملکرد یک روند ناعادلانه کارگری، اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی انجام می‌شود.

این کلمه با تلفظ «بویکات» وارد فرهنگ لغت انگلیسی شد، و به زبان‌های دیگر راه یافت. اما منشأ آن ریشه در نام یک شخص واقعی دارد: چارلز کانینگهام بویکات، نظامی انگلیسی (که در فارسی بایکوت تلفظ می‌شود).

در اواخر قرن نوزدهم، بایکوت که یک سرباز سابق ارتش بریتانیا بود، مدیریت املاک یک زمین‌دار را در ایرلند بر عهده داشت. او بر سر شرایط و هزینه‌های مربوط به اجاره این زمین‌ها با مستأجرانی که در آن کشاورزی می‌کردند، وارد مناقشه شد.

اعتراض‌ها خشونت‌آمیز نبود، اما در قالب منزوی کردن و طرد اجتماعی، کارگری و اقتصادی چارلز بایکوت اجرا شد و محصولات او به این دلیل که کسی حاضر به برداشتشان نبود، دچار مشکل شد.

در اواخر دهه ۱۸۸۰ میلادی، این موضوع بازتاب گسترده‌ای در روزنامه‌های بریتانیایی داشت که شروع به استفاده از نام خانوادگی بایکوت برای اشاره به روش‌های اعتراضی مستأجران او کردند. این کلمه خیلی زود وارد فرهنگ لغات چندین زبان دیگر شد.

«کاپیتان» بایکوت

چارلز کانینگهام بایکوت سال ۱۸۳۲ در نورفولک انگلستان به دنیا آمد. نام خانوادگی اصلی او «بایگت» بود، اما به دلایلی نامعلوم خانواده او تصمیم گرفتند وقتی چارلز ۹ ساله بود، املاک آن را تغییر دهند.

علاقه‌اش به مسائل نظامی باعث شد در سال ۱۸۴۸ در آکادمی نظامی سلطنتی بریتانیا ثبت نام کند، اما در سال ۱۸۴۹ پس از رد شدن در امتحانات اخراج شد. با این حال، خانواده‌اش پول خوبی پرداخت کردند تا در یک هنگ نظامی، پستی برای او بخرند. این کار در آن زمان رایج بود و این امکان را فراهم می‌کرد که افراد به سرعت به درجه افسری برسند.

اما علاقه‌اش به سربازی چندان دوامی نداشت و سه سال بعد ارتش را ترک کرد تا زمین‌دار شود.

او به شهرستان مایو در جزیره آکیل واقع در غرب ایرلند نقل مکان کرد. در آنجا زمینی خرید و توانست در محیطی سخت و چالش‌برانگیز با موفقیت محصول به عمل آورد. او ۱۷ سال در آنجا ماند، اما به دنبال موقعیتی بود تا بتواند در نهایت از جزیره خارج شود و با نزدیک‌تر شدن به «تمدن»، زمین‌های بهتری برای کشت و کار به دست آورد.

این فرصت در سال ۱۸۷۲ برای او پیش آمد، زمانی که جان کرایتون، دوک ارن، که بیش از ۱۵ هزار هکتار زمین در ایرلند داشت، به دنبال کسی می‌گشت تا مدیریت زمین‌هایش در شهرستان مایو را بر عهده بگیرد. این قرارداد شامل استفاده از حدود ۲۵۰ هکتار زمین کشاورزی، یک خانه بزرگ با اصطبل و یک آشپزخانه قایق بود.

کرایتون ترجیح می داد انگلیسی ها در ایرلند مناصب قدرت را در دست داشته باشند و مدیریت زمین هایش را بر عهده بگیرند. لقب «کاپیتان»، که احتمالاً مستاجران چارلز بایکوت به دلیل روش های سختگیرانه و سوابق نظامی به او داده بودند، مطمئناً در بستن قرارداد جدید به نفع او تمام شد.

به گفته زندگینامه نویسان، بایکوت به «حق الهی» اربابان، مالکان و صاحبان زمین ها اعتقاد داشت. او همچنین تمایل داشت بدون توجه به نظر دیگران، به هر شکلی که خودش صلاح می دید، رفتار کند. روش های سختگیرانه و شخصیت ناخوشایند او باعث شد که در میان مستاجران بسیار نامحبوب شود.

او هیچ مشکلی در اخراج کسانی که اجاره خود را به موقع پرداخت نمی کردند، نداشت و اغلب به خاطر کوچکترین تخلفات، مانند راه دادن حیوانات به زمین کشاورزی یا دیر رسیدن سر کار، آن ها را جریمه می کرد. گاهی اوقات جریمه ها از دستمزد آن ها بیشتر بود.

مقابله با لیگ زمین

در اواخر دهه ۱۸۷۰، ایرلند فصل بدی را در زمینه کشاورزی تجربه کرد که این منجر به قحطی شد. این شرایط وضعیت وخیمی برای مستاجرانی ایجاد کرد که در پرداخت اجاره خود دچار مشکل شده بودند.

سال ۱۸۷۹، پسر یکی از این مستاجران در شهرستان مایو، «لیگ ملی زمین ایرلند» را با هدف کاهش اجاره ها و توقف روند اخراج کشاورزان تاسیس کرد. این لیگ با جنبش استقلال ایرلند هم در ارتباط بود، اما هدف نهایی آن این بود که کشاورزان مالک زمین هایی شوند که در آن کشت می کردند.

مستاجران زمین های دوک ارن خواهان کاهش ۲۵ درصدی اجاره ها شدند، اما دوک تنها با ۱۰ درصد کاهش موافقت کرد و به چارلز بایکوت اجازه داد تمام بدهی های معوقه را پس بگیرد و کسانی را که [قرضشان را پرداخت نمی کنند](#)، اخراج کند.

سه خانواده اخراج شدند که واکنش اعتراضی لیگ زمین را در پی داشت. چارلز استوارت پارنل، رهبر لیگ و نماینده پارلمان، در نطقی هوادارانش را تشویق کرد که همیشه و همه جا از کسانی که دیگران را اخراج می کنند، دوری کنند و آن ها را تحقیر کنند. او گفت: «آن ها را تنها بگذارید... آن ها را از بقیه کشور منزوی کنید، گویی که جذامی هستند».

بایکوت از جامعه منزوی شد. هیچ کس محصولاتش را نمی خرید و هیچ کس چیزی به او نمی فروخت. او نمی توانست زمینش را کشت کند یا با افراد محلی معامله کند. حتی نامه رسان هم تحویل نامه هایش را متوقف کرد.

در حالی که محصولاتش با خطر پوسیدگی روبرو بود، چند زمین دار دیگر دلشان برای او سوخت و با جمع آوری مبالغی سعی کردند با بکارگیری حدود ۵۰ نفر برای برداشت، محصولات او را از نابودی نجات دهند. آنها مجبور شدند حدود ۹۰۰ سرباز را برای محافظت از کشاورزان در برابر حملات احتمالی افراد محلی اعزام کنند.

هزینه این عملیات شامل گردآوری، نیروی کار و حفاظت و نگهداری این نیروها، در آن زمان به حدود ۱۰ هزار پوند استرلینگ رسید، در حالی که ارزش محصولی که نجات می دادند به سختی به ۳۵۰ پوند می رسید.

یک کلمه جدید

ماجرای بایکوت به خبری بزرگ در ایرلند، انگلستان و دیگر کشورهای انگلیسی زبان تبدیل شد. در اخبار «بایکوت های» سراسر ایرلند گزارش می شد، و این شیوه به شکل قابل توجهی قدرت کشاورزان را افزایش می داد.

دقیقا مشخص نیست که کلمه «بایکوت» چه زمانی وارد فرهنگ واژگان شد، اما از آنجا که هیچ کلمه دقیقی برای توصیف اقدام منجر به انزوا، ارباب و تحریم افراد یا نهادها وجود نداشت، این کلمه در سال ۱۸۸۸ به فرهنگ واژگان آکسفورد راه یافت.

«بایکوت» در نهایت در چندین زبان دیگر هم که کلمه معادلی برای این مفهوم نداشتند، پذیرفته شد و تا امروز برای توصیف انواع مختلف چنین اقداماتی استفاده می شود که عمدتاً به محیط کار یا فضای سیاسی مربوط است.

چارلز کانینگهام بایکوت، «کاپیتان» بدنام، چند ماه بعد بی سر و صدا به انگلستان بازگشت، و در سال ۱۸۹۷ درگذشت. اما نام

خانوادگی او همچنان زنده است.

منبع: بی بی سی